

فلسفه و تئوری سازمان

ویرایش
هاریمیدوس سوکاس
رابرت چیا

ترجمه
دکتر ناصر عسگری
عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری

دکتر مجتبی امیری
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران



شماره مسلسل ۹۹۶۱

شماره انتشار ۴۰۶۴

انتشارات دانشگاه تهران

عنوان و نام پدیدآور	: فلسفه و تئوری سازمان / ویرایش هاریمیدوس سوکاس، رابرت چیا؛ ترجمه ناصر عسگری، مجتبی امیری.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۴۵۰ص: مصور، جدول، نمودار.
فروست	: انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۴۰۶۴.
شابک	: 978-964-03-7305-7
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: philosophy And Organization Theory.
موضوع	: جامعه‌شناسی سازمانی
موضوع	: سازمان -- تحقیق
موضوع	: سازمان
شناسه افزوده	: تسوکاس، هاریدیموس، ویراستار
شناسه افزوده	: Tsoukas, Haridimos
شناسه افزوده	: چیا، رابرت‌سی.اچ، ۱۹۴۹-م، ویراستار
شناسه افزوده	: Chia, Robert C.H
شناسه افزوده	: عسگری، ناصر، ۱۳۶۰-، مترجم
شناسه افزوده	: امیری، مجتبی، ۱۳۳۹-، مترجم
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۸ /ف۸ /HM۷۸۶
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۲/۳۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۴۵۱۱۸

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.



عنوان: فلسفه و تئوری سازمان
تألیف: هاریمیدوس سوکاس - رابرت چیا
ترجمه: دکتر ناصر عسگری - دکتر مجتبی امیری
نوبت چاپ: اول
تاریخ انتشار: ۱۳۹۸
شمارگان: ۲۰۰ نسخه
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مترجمان است»

بها: ۶۵۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press @ ut. ac. ir - تارنما: http://press.ut.ac.ir

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجمان ز

فصل اول: چرا فلسفه در تئوری سازمان اهمیت دارد؟ ۱

در مورد این مجلد ۱۸

منابع ۲۱

فصل دوم: فلسفه تحلیلی و تئوری سازمان: مسائل فلسفی و راهکارهای علمی ۲۵

مقدمه ۲۶

فلسفه تحلیلی در مطالعات سازمان ۲۷

تجربه‌گرایی منطقی و مسئله فراروی بنیانها در تئوری سازمان ۳۷

پارادایم‌ها و هم‌نژادهای فرانوگرایانه آنها در تئوری سازمان ۴۲

پاسخ‌های فلسفی و راهکارهای علمی: طبیعت‌گرایی و تئوری سازمان ۴۹

نتیجه‌گیری ۵۴

فصل سوم: عمل‌گرایی: فلسفه‌ای زیسته و زنده. رهاورد آن برای تئوری سازمان معاصر

چیست؟ ۶۳

مقدمه ۶۴

بافتار دربرگیرنده عمل‌گرایان کلاسیک ۶۷

چهار مقوله کلیدی در عمل‌گرایی ۷۲

تجربه ۷۳

واکاوی ۷۵

عادت ۷۷

تعامل ۷۸

عملگرایی در یادگیری سازمانی ۸۰

عملگرایی، اقدام و معنابخشی ۸۶

۹۰	نتیجه‌گیری
۹۳	منابع
فصل چهارم: مک اینتایر، ارسطوگرایی نوین و تئوری سازمان	
۹۷	مقدمه
۹۸	گفتار یکم: اقدامات؛ هرمنوتیکی و مک‌اینتایری
۹۸	مک‌اینتایر در متن
۱۰۰	خودپنداره‌های عصر، خودپنداره‌های نظریه سازمان
۱۰۶	دلالت‌هایی برای روش‌های پژوهشی
۱۰۹	گفتار دوم: نظریه سازمان از نوع مک‌اینتایری
۱۰۹	خیرها، فضیلت‌ها، اقدامات و نهادها
۱۱۳	سازمان با فضیلت
۱۱۶	نظریه مک‌اینتایری و نهادی، و دلایل اقدام
	گفتار سوم: تحلیل سازمانی مک‌اینتایر: یک بازسازی از ویک و سوتکلیف درباره در مانگاه سلطنتی
۱۲۲	بريستول
۱۲۷	گفتار چهارم: نتیجه‌گیری - دستور کاری برای تئوری سازمان مک‌اینتایری
۱۳۰	منابع
فصل پنجم: فلسفه مارکسیست و مطالعات سازمانی: مساعدت فلسفه مارکسیست به فهم	
۱۳۷	برخی از اشکال سازمانی مهم
۱۳۸	مقدمه
۱۳۸	مارکسیسم: ایده‌های کلیدی
۱۳۹	ماده‌گرایی دیالکتیک
۱۴۲	ماتریالیسم (ماده‌گرایی) تاریخی
۱۴۴	نقد اقتصاد سیاسی
۱۵۰	دامنه تئوری مارکسیستی
۱۵۳	دیدگاه‌های مارکسیستی درباره برخی اشکال سازمانی
۱۵۳	ضرورت تاریخی
۱۵۴	بوروکراسی

فهرست مطالب □ ج

۱۵۶	تیلوریسم و مدیریت علمی.....
۱۵۷	تولید ناب.....
۱۵۷	مدیریت دانش.....
۱۵۸	حرفه‌ها و شرکت‌های حرفه‌ای.....
۱۵۹	کار مشروط.....
۱۶۰	سازمان شبکه‌ای.....
۱۶۱	خانواده و خانوارها.....
۱۶۱	دیگر موارد.....
۱۶۱	منتقدان مارکسیسم.....
۱۶۴	نتیجه‌گیری.....
۱۶۶	منابع.....

فصل ششم: فراتر از جهانشمولی و نسبیت‌گرایی: مساعدت هابرماس به اخلاق گفتمانی و

۱۷۳	دلالت‌های آن برای اخلاق میان‌فرهنگی و تئوری سازمان.....
۱۷۴	مقدمه.....
۱۷۵	وحدت خرد و نقد آن در فلسفهٔ فرانگرا.....
۱۷۹	اخلاق گفتمانی و شیوه‌های توجیه (میان‌فرهنگی) آن.....
۱۸۰	اپل: نوع عملگرایی تعالی‌گرایانه از اخلاق گفتمانی.....
۱۸۱	هابرماس: شاخهٔ کاربردشناسی جهانشمول از اخلاق گفتمانی.....
۱۸۴	انتقادات از برداشتهای جهانشمول از اخلاق گفتمانی.....
۱۸۷	فرهنگ‌گرایی به عنوان حالتی جایگزین از توجیه.....
۱۸۸	نتیجه‌گیری: امکان‌پذیری اخلاق میان‌فرهنگی.....

فصل هفتم: فلسفه هرمنوتیک و تئوری سازمان.....

۲۰۱	مقدمه.....
۲۰۲	هرمنوتیک: تاریخچه‌ای مختصر.....
۲۰۲	ریشه یونانی هرمنوتیک.....
۲۰۳	هرمنوتیک مذهبی و فردریش شلایرماخر.....
۲۰۵	ویلهم دیلتای و فهمیدن.....

۲۰۶	مارتین هایدگر و فهم بودن
۲۰۹	هانس گادامر و تلفیق افق‌های فکری
۲۱۱	پل ریکور: استعاره، روایت و فردیت
۲۱۴	مفروضات متاتئوریک راهنمای مطالعات سازمان
۲۱۸	هرمنوتیک و پژوهش سازمانی
۲۱۸	هرمنوتیک و مطالعات فرهنگ سازمانی
۲۲۱	هرمنوتیک و معنابخشی
۲۲۲	هویت سازمانی
۲۲۳	هرمنوتیک و رویکردهای روایتی به تئوری سازمان
۲۲۵	هرمنوتیک و یادگیری موقعیت‌محور
۲۲۸	گفتگو
۲۳۰	نتیجه‌گیری
۲۳۲	منابع

فصل هشتم: پدیدارشناسی و تئوری سازمان ۲۳۷

۲۳۸	۱. مقدمه
۲۳۹	۲. پدیدارشناسی
۲۳۹	۲.۱. در آغاز چیزها وجود داشتند
۲۴۳	۲.۲. مارتین هایدگر: بودن-در-جهان، ابزار، فناوری و سازمان
۲۴۸	۳. ردیابی ریشه‌های پدیدارشناختی تئوری سازمان
۲۴۹	۳.۱. توسعه دیدگاه تفسیری سازه‌انگاره اجتماعی در درون علوم اجتماعی
۲۵۳	۳.۲. معرفی کنندگان اصلی پدیدارشناسی به مطالعات سازمان
۲۵۶	۳.۳. پدیدارشناسی چگونه در مطالعات سازمان مورد استفاده قرار گرفته است؟
		۴. بحث: برخی فهم‌های نادرست از پدیدارشناسی در مطالعات سازمان و پیشنهادهایی برای
۲۶۱	پژوهش‌های آتی

فصل نهم: سازماندهی کردن سازماندهی از منظر دریدا: ساختارشکنی و تئوری

۲۷۵	سازمان
۲۷۸	ساختارشکنی: سازماندهی کردن دریدا

فهرست مطالب □ خ

۲۷۸	ساختارشکنی: علیه متافیزیک حضور
۲۸۰	ساختارشکنی و تفاوت: درباره بافتارها
۲۸۱	ساختارشکنی و سرگشتگی: گشایش ناپذیری استدلال
۲۸۳	ساختارشکنی و تئوری سازمان
۲۸۳	کاربردهای کنونی ساختارشکنی در تئوری سازمان
۲۸۳	۱. ساختارشکنی متون کلاسیک
۲۸۴	۲. ساختارشکنی تقابل‌ها: زیربنای تئوری سازمان
	۳. ساختارشکنی به عنوان راهی برای مطالعه زبان سازمان‌ها و زبان مورد استفاده در سازمان‌ها
۲۸۵	
۲۸۶	۴. ساختارشکنی به مثابه نوعی چارچوب ارجاع معرفت‌شناختی یا هستی‌شناختی
۲۸۶	آپوریاها [سرگشتگی‌ها]: ساختارشکنی و امکان ناممکن
۲۸۸	سه آپوریا [سرگشتگی]: سازماندهی از منظر دریدا
۲۸۸	۱. محیط/سازمان: آپوریای [سرگشتگی] سازگاری
۲۹۱	۲. تصمیم/عمل: آپوریای [سرگشتگی] تصمیم‌ناپذیری
۲۹۶	۳. قاعده/کاربرد: آپوریای [سرگشتگی] پیروی از قاعده
۲۹۹	نتایج اندیشه ساختارشکنانه
۳۰۰	تئوری‌پردازی درباره سازمان‌ها و اهمیت «و»
۳۰۱	ساختارشکنی و عرصه‌های ناممکن عدالت
۳۰۳	دورنماها
۳۰۵	منابع

فصل دهم: فکر کردن، تبدیل شدن و پدیدار شدن: فلسفه پویشی و مطالعات سازمان ۳۱۱

۳۱۲	مقدمه
۳۱۵	هستی‌شناسی ماده و تئوری سازمان
۳۱۹	فلسفه پویشی و هستی‌شناسی شدن
۳۲۲	۱. تبدیل شدن به واقعیت
۳۲۳	۲. تفاوت فراتر از هویت
۳۲۵	۳. تفکر در زمان
۳۲۷	دلالت‌ها: فهم پویشی از معنابخشی جمعی، ساخت هویت سازمانی و کارآفرینی

۳۲۸	عمل جمعی: ما در جمع آنها ساکن هستیم.....
۳۳۱	هویت سازمانی به عنوان برون‌سپاری تعمیم یافته.....
۳۳۴	کارآفرین مردد.....
۳۳۶	نتیجه‌گیری.....
۳۳۹	منابع.....

فصل یازدهم: تئوری به مثابه درمان: یادآورهای ویتگنشتاینی برای تئوری‌پردازی تأملی در

۳۴۳	تئوری سازمان و مدیریت.....
۳۴۶	به پیش‌زمینه آوردن اقدامات «پس‌زمینه‌ای».....
۳۵۱	فلسفه ویتگنشتاین: جهان «پیش‌بود».....
۳۵۵	ویتگنشتاین و کلمات.....
۳۶۱	تئوری سازمان عملی-توصیفی: به سوی تئوری‌پردازی تأملی.....
۳۶۳	شرحی از تئوری‌پردازی تأملی: نظریهٔ معنابخشی ویک.....
۳۶۷	جمع‌بندی اندیشه‌ها: از نقشه تا تصویرگری.....
۳۷۵	منابع.....

فصل دوازدهم: فلسفه‌های سه‌سویه‌سازی علم برای فهم مسائل پیچیدهٔ سازمان و

۳۷۹	مدیریت.....
۳۸۰	مقدمه.....
۳۸۱	فلسفه‌های علم.....
۳۸۲	پوزیتیویسم.....
۳۸۳	پست‌مدرنیسم.....
۳۸۴	رتالیسم انتقادی.....
۳۸۵	سه‌سویه‌سازی.....
۳۹۰	کیس گروه‌های حرفه‌ای.....
۳۹۱	پوزیتیویسم.....
۳۹۲	پست‌مدرنیسم.....
۳۹۳	رتالیسم انتقادی.....
۳۹۳	سه‌سویه‌سازی فلسفه‌های علم.....

۳۹۵	انواع مسائلی که به سه‌سویه‌سازی نیاز دارند.....
۳۹۶	نتیجه‌گیری.....
۳۹۸	منابع.....

فصل سیزدهم: ریچارد رورتی، زنان و عملگرایی نوین..... ۴۰۱

۴۰۲	نخستین ملاقات من با عملگرایی نوین.....
۴۰۶	حقیقت چیست؟.....
۴۱۰	مانیفست عمل‌گرایانه.....
۴۱۲	به هم پیوستگی در مرکز چیزها.....
۴۱۴	قوم‌پرستی؟.....
۴۱۶	روش متداول.....
۴۱۸	آیا هر کسی رورتی را دوست دارد؟.....
۴۱۸	عملگرایی و فمینیسم.....

پیشگفتار مترجمان

فلسفه چیست؟ به چه کار می‌آید؟ و نسبت و جایگاه آن در میان علوم چگونه و کجاست؟ این پرسش‌های بنیادین از دیرباز ذهن حقیقت‌جوی انسان اندیشمند را به خود درگیر ساخته‌اند. پاسخ‌های گوناگونی به این پرسش‌ها ارائه شده است. از وجودشناسی (تمیز دادن «بودها» از «نبودها» و «نمودها») گرفته تا بازتاب دادن واقعیت‌های دنیای بیرونی در قالب پنداره‌های ذهنی در ذهن پویسگر انسان. به هر حال، کار فلسفه این است که گره از کار شناخت واقعیات بگشاید و جهانی عقلانی برای انسان فراهم سازد. در تعریفی کلی می‌توان گفت فلسفه به معنای مطالعه مسائلی کلی و اساسی، درباره موضوعاتی همچون هستی، واقعیت، آگاهی، ارزش، خرد، ذهن و زبان است. تفاوت فلسفه با دیگر راه‌های پرداختن به چنین مسائلی، رویکرد نقادانه و اغلب سازمان‌یافته فلسفه و تکیه آن بر استدلال‌های عقلانی و منطقی است. در این معنا، موضوع فلسفه وجودشناسی و پیامدهای ذاتی آن است؛ پیامدهایی که به گونه‌ای پی در پی به مسائل فلسفی بعدی تبدیل می‌شوند. پاسخ به این پرسش‌ها مکاتب گوناگون فلسفی را پدید آورده است.

فلسفه ایرانی را می‌توان تا زمان ایران باستان و سنت‌های فلسفی آن دوران پی گرفت. فلسفه اسلامی علمی که مسائل کلی هستی، معرفت، نفس، خدا و دین را با روش عقلی و برهانی بررسی می‌کند. برخی خاستگاه‌های فلاسفه شرقی از فلسفه غرب تأثیر پذیرفته‌اند. با این حال، فلاسفه مشرق زمین در آن روزگار تقلیدکننده نبودند و آنچه را از غرب گرفتند از نگاه ویژه خود به آن پرداختند، بسیار بر آن افزودند، آن را توسعه دادند و دیگر علوم شرقی و اسلامی را از آن متأثر ساختند. فلاسفه مسلمانی مانند فارابی، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن رشد و ابن مسکویه در این زمره قرار می‌گیرند.

در فلسفه غرب، فیلسوفان پیشاسقراطی همچون فیثاغورث و هراکلیتوس که جملگی طبیعت‌گرا بودند می‌کوشیدند از راه مشاهده، تفکر و واقع‌بینی جهان را به روشی عقلانی توصیف کنند و برای ادعاهای خود دلیل ارائه کنند. مهم‌ترین موضوع مورد نظر آنها «تغییر» بود؛ یعنی در پی پاسخ به این پرسش اساسی بودند که آیا این جهان از یک چیز به وجود آمده یا چند چیز. پس از سقراط نیز فیلسوفانی مانند افلاطون و ارسطو به جدل و استدلال نظری روی آوردند و در نتیجه منطبق در این دوران پایه‌گذاری شد. فلاسفه این دوره به این پرسش اساسی پرداختند که «خوشبختی چیست؟» و چه کسی می‌تواند خوشبختی را محقق سازد. این جریان و سیر «حس‌گرایی» و «عقل‌گرایی» با همه فراز و نشیب‌های خود تا دوران مدرن ادامه یافت.

در دوران مدرن (سده شانزدهم) دو فیلسوف نامدار به سردمداران فلسفه غرب تبدیل شدند: رنه دکارت و فرانسویس بیکن. آنها هر دو شمشیر تیز نقد را از رو بسته بودند و بر همه مفروضات پیشینیان خود یورش بردند؛ بیش از همه نیز پیش فرض‌های افلاطون و ارسطو و به‌ویژه ارسطو را از دم تیغ تیز نقد خود گذراندند. آنها با نقد فلسفه قدیم در پی معرفت یقینی بودند و در شمار بنیان‌گذاران مکتب اصالت عقل به حساب می‌آیند که می‌گوید «به آنچه که حواس انسان ارائه می‌دهند نمی‌توان اطمینان کامل داشت، بلکه، تنها از راه عقل است که شناخت حقیقی و یقین‌آور حاصل می‌شود». آنها نوعی دوئیت (یا دوگانه‌انگاری بین ذهن و عین) را پیش روی اندیشمندان پس از خود قرار دادند که در آن زمان مسئله‌ای بسیار پیچیده به شمار می‌رفت. بر این اساس، دکارت عقل‌گرا و بیکن حس‌گرا گرایش به طبیعت‌گرایی، عینیت‌گرایی و پوزیتیویسم را در فلسفه غرب بنیان نهادند. سرانجام در کشاکش بین این ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی محض، به گفته خود کانت اندیشه‌های هیوم - درخصوص این که با حس نمی‌توانیم به علم برسیم - او از خواب جزمی بیدار کرد (به نقد قوه عقل و ارزیابی معرفت انسانی پرداخت) و برای رفع دوگانه‌انگاری پدید آمده بین عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی یک‌جانبه، دیالکتیکی بین این دو برقرار ساخت. بر اساس این دیالکتیک برای درک جهان قابل شناخت از راه تجربه باید از حس یاری شده با عقل بهره جست. بدین ترتیب فلسفه کلاسیک به پایان راه خود رسید و سرانجام پس از هگل در کسوتی دیگر نمایان شد.

در این دوران نوین تلاش نئوکانتی‌ها موجب شد علوم انسانی و اجتماعی از علوم طبیعی جدا شوند؛ تلاش هگلی‌ها نیز به تاریخ‌نگری (تلاش برای توجیه تاریخ و سیر حرکت آن در قالب ایده) و رویکردهایی انجامید که سیر اندیشه‌ها در تاریخ معاصر را به کلی دگرگون ساخت. افزون بر این، در این دوران «فلسفه علم» شکل گرفت و از آن پس فلاسفه به عنوان فیلسوف علم در کسوت ریاضی‌دان، فیزیک‌دان، شیمی‌دان و ... روی کار آمدند. از این پس فلسفه دیگر معنای گذشته خود را نداشت؛ برای نمونه جان لازری در مقدمه کتابش (لازی، ترجمه پایا، ۱۳۷۷) به مرور معانی گوناگون (چهار تعریف) از «فلسفه علم» می‌پردازد و تفاوت دیدگاه‌های گوناگون موجود در این زمینه را مرور می‌کند. آلن راین نیز «فلسفه علم» را به عنوان «معرفت یا پژوهشی از نوع دوم» تعریف می‌کند. تعریفی که پوپر از فلسفه علم ارائه می‌کند نیز این گونه است: تحلیل فلسفی مسائل، تئوری‌ها و روش‌های علمی که ما را در فهم تاریخ تفکر علمی یاری می‌دهد. فلسفه علم در این معنا به خاستگاه تئوری‌پردازی و بنیان فکری اندیشمندان و تئوری‌پردازان در رشته‌های علمی گوناگون از جمله علم سازمان و مدیریت تبدیل شده است. بر این اساس، «تئوری سازمان» نیز شاخه‌ای برآمده از فلسفه علم معاصر است که به شناخت پدیده «سازمان» از جنبه‌ها و نگاه‌های گوناگون می‌پردازد.

در این کتاب مروری اندیشمندان و تأمل برانگیز بر برخی آثار مربوط به فلسفه علم سازمان و مدیریت انجام شده است. بدین منظور، پیش فرض‌ها، اصول، مفاهیم، مدل‌ها و تئوری‌های زیربنایی رویکردهای گوناگون فلسفه علم معاصر که بر نوع نگاه تئوری پردازان سازمان اثر گذاشته‌اند مرور شده است. چنین نگاهی به نوبه خود گرایش تئوری پردازان سازمان به مسائل بنیادین هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی را تعیین می‌کنند. چنین رویکردی عرصه‌ای است که به ویژه در کشور ما نوپا و کمتر شناخته است؛ با این حال برای شناخت جنبه‌های گوناگون پدیده پیچیده سازمان ضروری است.

به گفته گرت مورگان سازمان پدیده‌ای چندوجهی است و نمی‌توان تنها از یک نگاه به شناخت آن و تجزیه و تحلیل تئوری‌های ارائه شده در مورد آن پرداخت، بلکه باید از زوایا و سطوح تحلیل گوناگون به شناخت آن پردازیم. در این صورت گستره نگاه ما از لایه ظاهری فراتر می‌رود و می‌توانیم به نگاهی ژرف‌اندیشانه‌تر دست یابیم. این نگاهی است که جامعه مدیریتی ما (خواه دانشگاهیان و خواه اجراییان) بسیار به آن نیازمندند.

به باور مترجمان ناکارآمدی و ناسودمندی تئوری‌ها و مدل‌های که به وسیله دانشگاهیان ارائه می‌شوند و به وسیله مجریان به کار گرفته می‌شوند بیش از هر چیز ناشی از نگاه سطحی و نازرف‌اندیشانه به آن‌ها است. این سطحی‌نگری از نادیده‌انگاری فرایرزش‌هایی ناشی می‌شود که هرگز به ذهن ظاهرینان و ساده‌انگاران راه نمی‌یابند. به همین دلیل بسیاری از پاسخ‌های تئوریک که بدین صورت برای مسائل اجرایی ارائه می‌شوند از اثربخشی لازم برخوردار نیستند. به سخن حکیمانه مولانا:

علم دریایی است بی حد و کنار طالب علم است غواص بحار

از این رو، کسانی که برای شناخت واقعیات سازمان نتوانند به غواصی در دریای علم و ژرف‌اندیشی و ژرف‌نگری در آن روی بیاورند و به همان لایه سطحی قانع شوند اغلب به جای «علم» به «شبه‌علم» دست می‌یابند که به نتیجه‌ای جز راهکارهای سطحی یا ناکامی نخواهد انجامید. دلیل این ناکامی هم ناتوانی اندیشه از درک لایه‌هایی ژرف‌تر است که به گفته میرفندرسکی «صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی». حضرت مولانا هم در کتاب مثنوی خود به زیبایی این گونه سطحی‌نگری را شرح داده است:

مرغ بر بالا و زیر آن سایه‌اش	می‌دود بر خاک پر آن مرغ‌وش
ابلهی صیاد آن سایه شود	می‌دود چندانک بی‌مایه شود
بی‌خبر کان عکس آن مرغ هوا است	بی‌خبر که اصل آن سایه کجاست
تیر اندازد به سوی سایه او	ترکش خالی شود از جستجو
ترکش عمرش تهی شد عمر رفت	از دویدن در شکار سایه تفت

بر این اساس، کتاب حاضر می‌تواند به تقویت و توسعهٔ بیش از پیش اندیشمندان و دانش‌پژوهان عرصهٔ دانشگاهی، و مدیران و کارگزاران عرصهٔ اجرایی یاری رساند. نگاه‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و رفتارشناختی به تئوری سازمان و تأثیرات آنها بر رویکردهای گوناگون تئوری‌های سازمان شالوده و محور مشترک مجموعه مقالات ارائه شده در این مجموعه است که گردآوردندگان در فصل نخست به شرح مختصر آنها پرداخته‌اند. همچنین در این فصل چارچوب و کلیتی از محتوای کتاب در این قالب ارائه شده است. افزون بر این، در پایان فصل اول که نوشتهٔ خود گردآوردندگان این اثر است شرح مختصری از جایگاه علمی و آثار آن نیز ارائه شده است.

مترجمان امید دارند این اثر بتواند به توسعهٔ بیش از پیش آثار ژرفاندیشانه در عرصه سازمان و مدیریت کشورمان یاری رساند و با کمک به ارائهٔ تئوری‌هایی برخوردار از پشتوانهٔ تئوریک و منطقی برای تبیین و تفسیر پدیده‌های اجتماعی موجب کاهش نسبی مشکلات و چالش‌های موجود در عرصهٔ علوم انسانی و اجتماعی کشور شود. بدین منظور نیاز است نخست به درک درستی از تئوری‌ها دست یابیم، آنها را به درستی نقد کنیم و سپس به استفادهٔ اثربخش و کارای آنها برای حل مسائل موجود بپردازیم. بدین ترتیب هم توانایی نظری ما برای تحلیل و حل مشکلات اجرایی تقویت می‌شود و هم تواناییمان در تئوری‌پردازی به گونه‌ای رشد می‌کند که بتوانیم تئوری‌هایی ارائه کنیم که به پرسش‌های زمانهٔ خود در جامعهٔ علمی و عرصه‌های اجرایی به خوبی پاسخ دهند. این همان تئوری‌ای است که می‌توان دربارهٔ آن با کورت لوین هم‌داستان شد که «هیچ چیز علمی‌تر از یک تئوری خوب نیست».

بی‌گمان عصر حاضر عصر سازمان‌هایی است که بر همهٔ عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان سایه انداخته و حاکم شده‌اند. شاید به این دلیل باشد که پیتر دراگر می‌گوید «جوانان امروز باید آن‌گونه که اجدادشان کشاورزی را می‌آموختند، سازمان را بیاموزند». از این رو شناخت درست و ژرف-نگرانهٔ سازمان برای نسل امروز به ویژه در رشته‌های گوناگون زیرمجموعهٔ علم‌الاجتماع ضرورتی گریزناپذیر است. این کتاب برای همهٔ عرصه‌های علمی، نخبگی و اجرایی کشور و به ویژه برای استادان و دانشجویان دکترای رشته‌های مدیریت، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و اقتصاد سودمند و راهگشا خواهد بود.

سرانجام، مترجمان این اثر باور دارند که ترجمهٔ فهمِ فهمِ نویسنده است و از این رو از تألیف و تصنیف نیز دشوارتر است. بر این اساس و با توجه به ماهیت فعالیت‌های علمی احتمال خطاها و لغزش‌های گریزناپذیر در ترجمه این اثر را اعلام می‌دارند و نقدها و نظرات اصلاحی و تکمیلی شما خوانندهٔ فرهیختهٔ این اثر را به دیدهٔ منت پذیرا و سپاسگزار هستند.

ناصر عسگری Nasgari@ut.ac.ir

مجتبی امیری Mamiry@ut.ac.ir